

مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان، سال سیزدهم، شماره ۲، پاییز زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۲۵

مقایسه و بررسی ریشه‌شناختی واژه‌های زبان هورامی با ریشه اوستایی، فارسی باستان و میانه از منظر واج‌شناسی تاریخی - تطبیقی (مطالعه موردی: گویش عبدالملکی)

رضا قنبری عبدالملکی، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دامغان (نویسنده مسئول)

آیلین فیروزیان پوراصفهانی، استادیار زبان شناسی همگانی دانشگاه دامغان

آیدا فیروزیان پوراصفهانی، استادیار زبان شناسی همگانی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع) مشهد

صص: ۳۲۷-۳۰۵

چکیده

زبان‌های هورامی و فارسی که هر دو از خانواده زبان‌های ایرانی غربی‌اند؛ متأثر از زبان اوستایی نیز بوده و تا دوره میانه در بسیاری از شکل‌های تلفظ، همسان بوده‌اند. از این رو، زبان هورامی به دلیل نزدیک بودن به ریشه‌های کهن زبان فارسی، منبع خوبی برای احیای صورت‌های مهجور در این زبان است. از آن‌جاکه هورامی در تأثیرپذیری از فارسی جدید تا حد زیادی محتاط بوده است؛ شماری از گویش‌های آن، از جمله گویش عبدالملکی، برخی از ویژگی‌های آوایی زبان‌های قدیمی‌تر ایرانی را در خود حفظ کرده‌اند. با توجه به این موضوع، جستار حاضر با بررسی ۷۶ واژه در گویش عبدالملکی، به کشف ریشه‌های اوستایی، فارسی باستان و میانه در آنها پرداخته است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها در بخش هورامی، از طریق مصاحبه با گویش‌وران عبدالملکی و با ضبط گفتار آنها، و در بخش فارسی باستان و میانه، با مراجعه به کتاب‌های «تاریخ زبان فارسی» و «فرهنگ کوچک زبان پهلوی»، به ترتیب از خانلری و مکزی گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد واج‌های /v/، /č/، /h/، /ž/، /k/ و /n/ در گویش عبدالملکی، همچنان شکل کهن خود را حفظ کرده و از نظر تحول، به دوره‌های باستان و میانه نزدیک‌ترند. خوشه همخوانی /sp/ در این گویش، بازمانده از زبان مادی می‌باشد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

- پست الکترونیکی: 1. abdolmaleki@du.ac.ir 2. ailin_firoozian@yahoo.com 3. aida.firoozian@gmail.com

همخوان /y/ آغازی فارسی باستان که در فارسی میانه و جدید، بدل به /j/ شده؛ در گویش عبدالملکی همچنان باقی مانده است. واژه /i/ باستانی که در تحول تا فارسی جدید، به /a/ تبدیل شده‌اند؛ در این گویش به همان شکل اوستایی و فارسی میانه حفظ شده است. واژه‌هایی که در گویش عبدالملکی مختوم به /a/ هستند از صورت /-ag/ فارسی میانه مشتق شده‌اند. به‌طور کلی گویش مطالعه‌شده در این جستار، از لحاظ تحولات تاریخی واج‌ها نسبت به زبان فارسی جدید محافظه‌کارتر است و ساختار واجی آن شباهت زیادی به فارسی باستان و پهلوی دارد.

واژگان کلیدی: واج‌شناسی، زبان هورامی، گویش عبدالملکی، فارسی باستان، فارسی میانه

۱. مقدمه

گویش‌های ایرانی گنجینه‌ای از داده‌های زبان‌های ایرانی را در خود دارند که هنوز ناشناخته است و بررسی آنها با رویکرد تاریخی، هم ارزش نهفته زبان‌شناختی این داده‌ها را آشکار می‌سازد و هم به بررسی و شناخت دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی کمک می‌کند (شفایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷).

دامنه گسترش واژه‌های زبان‌های ایرانی و از آن جمله زبان فارسی در زبان‌های دیگر به محدوده جغرافیایی یا دوره زمانی خاص محدود نمی‌شود و می‌توان این پدیده را در حوزه‌های جغرافیایی گسترده و در زبان‌هایی متعدد و نیز در گستره قابل توجهی از زمان مشاهده نمود (آقاگل‌زاده و داوری، ۱۳۸۸: ۳۵). با توجه به این مسئله، یکی از گویش‌هایی که تأثیر قابل توجهی از زبان‌های قدیمی ایرانی، خصوصاً فارسی پذیرفته و تلفظ بسیاری از واژه‌های آن، شباهت زیادی با شکل‌های تلفظ در فارسی باستان و میانه دارد؛ گویش عبدالملکی است. در همین رابطه، لیزنبرگ^۱ (۱۹۹۲: ۱۴) معتقد است که هورامی^۲ با زبان فارسی باستان^۳ و اوستایی شباهت دارد.

1- Leezenberg, M

۲- مکنزی (۱۹۸۷ و ۲۰۰۲) هورامی را گویشی از زبان گورانی و کهن‌ترین گویش آن می‌داند. گونتر (۲۰۰۳) نیز بر همین اعتقاد است.
 ۳- تحولات تاریخی زبان فارسی به سه دوره: باستان، میانه و جدید تقسیم می‌شود. دوره باستان از ورود ایرانیان به ایران، در حدود هزاره اول پیش از میلاد مسیح، آغاز می‌شود و با سقوط هخامنشیان پایان می‌یابد. دوره میانه از نظر تاریخی، با روی کار آمدن اشکانیان شروع

بر روی گویش عبدالملکی که یکی از گویش‌های مهم در مجموعه گویش‌های زبان هورامی به شمار می‌آید، تاکنون مطالعات علمی چندانی صورت نگرفته، درحالی‌که این گویش با توجه به گسترش نفوذ زبان‌های قدرتمند مجاور آن مانند فارسی و طبری در معرض خطر است. به دلیل وجود این کاستی، نگارندگان در پژوهش پیش‌رو بر آن شدند تا با بررسی واج-شناسی تاریخی و تطبیقی، خصوصیات واجی برخی از لغات کهن اوستایی، فارسی باستان و میانه را در شماری از واژه‌های گویش عبدالملکی نشان دهند.

اصلی‌ترین پرسشی که جستار حاضر در پی پاسخ‌گویی به آن می‌باشد، این است که آیا میان گویش عبدالملکی و زبان‌های فارسی باستان و میانه، وجوه مشترکی وجود دارد؟ فرضیه پژوهش، این است که گویش مذکور خصوصیات آوایی و واجی قابل توجهی از زبان‌های کهن فارسی را در ساختار خود حفظ نموده است.

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها در بخش زبان هورامی، عمدتاً از طریق مصاحبه با گویشوران عبدالملکی و با ضبط گفتار آنها، و در بخش زبان‌های فارسی باستان و پهلوی، با مراجعه به کتاب‌های «تاریخ زبان فارسی» و «فرهنگ کوچک زبان پهلوی»، به ترتیب از خانلری و مکنزی^۱ گردآوری شده‌اند. شایان ذکر است که پس از گردآوری داده‌ها، ۷۶ واژه عبدالملکی با معادل آنها در زبان‌های اوستایی، فارسی باستان و پهلوی، سنجیده شد تا سیر تحول واج‌های این گویش در دوره‌های تاریخی سه‌گانه مشخص گردد. در این مطالعه، واژگانی که انتخاب شده‌اند، به لحاظ تغییر و تحولات واجی، ویژگی‌های ایرانی باستان و میانه را حفظ کرده و از تحولات فارسی جدید به دور مانده‌اند.

گفتنی است که کل تحلیل‌های مقاله بر روی واژه‌های غیرقرضی انجام شده است؛ یعنی واژه‌های دخیل که از زبان‌های دیگر وارد این گویش شده‌اند، در دایره بررسی قرار نگرفته‌اند. شایان ذکر است که دامنه این پژوهش، محدود به گویشوران عبدالملکی در بخش ساحلی شهرستان بهشهر، واقع در استان مازندران است که حدوداً دوازده هزار گویشور دارد. هرچند نقشبندی (۱۳۹۹: ۸۳) اجتماع هورامی‌زبان‌ها را در استان‌های کرمانشاه و کردستان ایران و

و در حدود سه قرن پس از انقراض ساسانیان خاتمه می‌یابد. دوره جدید از قرن سوم هجری تا زمانه حاضر ادامه دارد (باقری، ۱۳۸۰: ۱۱).

برخی نواحی کشور عراق دانسته است؛ اما باید گفت که طایفه عبدالملکی هورامی‌زبان در خارج از مناطق نامبرده سکونت دارد. محل جغرافیایی این گویش در شکل (۱) نشان داده شده است.

شکل ۱- جغرافیای گویش مورد مطالعه (بخش ساحلی میانکاله)



۲. پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات قابل توجهی درباره گویش عبدالملکی صورت نگرفته، در حالی که در باب سایر گویش‌های ایرانی چندین اثر، از جمله مقاله، کتاب و پایان‌نامه چاپ و منتشر شده است. در ارتباط با موضوع جستار حاضر، از جمله کارهایی که در ایران و در زمینه واج‌شناسی تاریخی گویش‌های ایرانی انجام شده است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

باقری (۱۳۸۰) در کتاب «واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی»، نخستین گام را در راه بررسی جامع تاریخ زبان فارسی برداشته است. وی در این اثر، دگرگونی‌های تاریخی واج‌های زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده معتقد است که این بررسی علاوه بر این‌که می‌تواند در فقه‌اللغه و شناخت واژه‌های هم‌خانواده و درک معانی دقیق واژگان و علت‌های هم‌معنایی و چندمعنایی واژه‌ها و نیز ارتباط ساختاری احتمالی واژگان در گویش‌های متداول

کنونی، و دلیل گونه‌های مختلف ضبط یک واژه در متون مکتوب و شناخت مترادفات و صورت‌های مختلف یک واژه که رابطه معنایی‌شان آشکار است ولی به اشکال مختلف تلفظ می‌شوند، کمک کند؛ می‌تواند بسیاری از مسائل و مشکلات مربوط به قواعد صرفی و ساختاری فارسی امروز را نیز، صریح و روشن بازشناسی کند.

مطلبی و شیبانی‌فرد (۱۳۹۲) در مقاله خود به بررسی واج‌شناسی تاریخی گویش رودباری که در شهرستان‌های جنوبی استان کرمان رایج است، پرداخته‌اند. هدف از این مطالعه، شناخت سیر تحول واج‌های باستانی و میانه در این گویش و نیز یافتن مهم‌ترین ویژگی‌های واجی گویش از نظر تاریخی و وجوه افتراق آن با فارسی دری است.

زرشناس و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود چند واج ایرانی باستان در گویش بلوچی بمپوری را مورد بررسی تاریخی و تطبیقی قرار داده‌اند. نگارندگان در این کار، برخی از واج‌های ایرانی باستان که سیر تحول‌شان در این گویش با دوره میانه و جدید زبان‌های ایرانی متفاوت بوده است مورد مطالعه قرار داده و وجوه تشابه یا تفاوت آنها را با واج‌های دوره باستان، میانه و نو ایرانی مشخص کرده‌اند.

شفایی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی ریشه‌شناختی واژه‌هایی از گویش اوزی، از گویش‌های جنوب غربی ایران پرداخته‌اند. در این مقاله، ۱۵ واژه اصیل گویش اوزی مورد بررسی ریشه‌شناختی و تطبیقی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین این گویش با زبان‌های ایرانی در سه دوره تاریخی پیوستگی و قرابت وجود دارد.

جعفری دهقی و همکار (۱۳۹۹) در مطالعه خود، تحول تاریخی برخی واج‌ها در گویش تالشی مرکزی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش، تحول تاریخی واج‌ها به ترتیب در زبان‌های ایرانی باستان، فارسی میانه و فارسی نو بررسی و مقایسه گردیده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیش‌تر واج‌ها در تالشی همان دگرگونی‌های واج‌های زبان فارسی را دارند، اما برخی تحولات ویژه نیز در این گویش رخ داده‌اند.

درباره پژوهش‌های مرتبط با واج‌شناسی زبان هورامی، مهم‌ترین مطالعاتی که انجام شده است، به قرار ذیل می‌باشند:

دیوید نیل مکنزی (۱۹۶۶) از اولین کسانی است که به مطالعه علمی واج‌های زبان هورامی روی آورد. وی از طریق گویش‌وری اهل نوسود با گویش هورامی آشنا شد و در کتاب خود با عنوان «گویش اورامان» به معرفی این گویش و ساختارهای دستوری آن پرداخت.

نقشبندی (۱۳۷۵) در چارچوب واج‌شناسی زیبا و جزء مستقل و با نگرشی مختصه‌بنیاد به توصیف نظام آوایی زبان هورامی (گویش پاه‌ای) پرداخته است. وی فهرست‌وار و همراه با مثال‌هایی، ساخت هجا در گویش مزبور را بررسی نموده است.

سلیمی (۱۳۹۲) در فصل دوم کتاب خود، به توصیف نظام واجی در زبان هورامی (گویش پاه‌ای) پرداخته است. این پژوهش‌گر در مطالعه خود، نخست مشخصه آوایی هر واج را بیان نموده و پس از آن، برای شناخت بیشتر هر واج، آن را تنها با واج‌هایی که در جایگاه تولید همانند یا نزدیک به یکدیگر بوده‌اند، سنجیده است.

سجادی و کرد زعفرانلو (۱۳۹۳)، به بررسی و توصیف فرایندهای واجی همخوانی در واژه‌های مشترک بین زبان فارسی معیار و زبان هورامی (گویش هورامان تخت) پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که پربسامدترین فرایندهای واجی همخوانی به ترتیب حذف، تضعیف و همگونی و کم‌بسامدترین آنها درج، تقویت و قلب هستند.

قنبری عبدالملکی و فیروزیان (۱۴۰۰) در مقاله خود پس از بررسی و توصیف ساختمان هجایی گویش عبدالملکی (از گویش‌های زبان هورامی)، برخی از فرایندهای واجی آن در واژه‌های مشترک با فارسی معیار را مورد تحلیل قرار داده و قاعده مخصوص هر یک را ارائه نموده‌اند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش بیان‌گر آن است که فرایندهای واجی همگونی، ناهمگونی، حذف، درج، تضعیف و قلب در گویش عبدالملکی فعال‌اند؛ ۴. توالی دو همخوان */n/* و */d/* در گفتار به کار نمی‌رود؛ در تحلیل فرایند قلب، سه محدودیت *SCL*، *linearity* و *SSP* دخیل‌اند؛ و سرانجام این‌که در فرایند تضعیف، محدودیت کم‌کوشی بر تمام محدودیت‌ها اولویت دارد.

گفتنی است منابع دیگری نیز راجع به زبان هورامی وجود دارند که به علت محدودیت حجم مقاله از ذکر آنها خودداری شده است. همان‌طور که نتیجه بررسی پژوهش‌های مرتبط با واج‌شناسی تاریخی گویش‌های ایرانی و زبان هورامی نشان داد، تاکنون هیچ پژوهش واج-

شناختی با رویکرد تاریخی درباره‌ی گویش عبدالملکی انجام نگرفته است؛ و از این نظر، پژوهش حاضر نخستین گام در این زمینه به شمار می‌آید.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. توصیف همخوان‌ها، واکه‌ها و ساختمان هجا در گویش عبدالملکی

۳-۱-۱. همخوان‌ها و واکه‌ها

پیش از بررسی و تحلیل داده‌ها، همخوان‌ها و واکه‌های گویش عبدالملکی در جدول‌های شماره (۱) و (۲)، معرفی و توصیف شده‌اند.

جدول ۱- همخوان‌های گویش عبدالملکی

محل تولید شیوه تولید	چاکنایی	حلقی	ملازی	نرمکامی	کامی	لثوی کامی	لثوی	دندانی لثوی	لیبی دندانی	دوبلی	واکدار	انسدادی
			γ	g				d		b	واکدار	انسدادی
		ɔ		k				t		p	بی-واک	انسدادی
							ž	z	v		واکدار	سایشی
	h	x					š	s	f		بی-واک	سایشی
						ǰ					واکدار	انسایشی
						č					بی-واک	انسایشی
								n	m		واکدار	خیشومی
							r				واکدار	لرزشی
							L				واکدار	کناری
					y					w		نیم واکه

چنان‌که در جدول فوق پیداست، گویش عبدالملکی ۲۴ همخوان دارد که شامل ۸ انسدادی، ۸ سایشی، ۲ انسایشی، ۲ خیشومی، ۱ لرزشی، ۱ کناری، و ۲ نیم‌واکه (غلت) است. این گویش به دلیل دور شدن از خاستگاه جغرافیایی خود یعنی هورامان و تأثیرپذیری از زبان‌های فارسی و طبری، تاحدودی از سایر گویش‌های هورامی در کرمانشاه و کردستان متفاوت است. شایان ذکر است که تعداد همخوان‌های برخی از این گویش‌ها به ۲۹ تا ۳۰ همخوان می‌رسد درحالی‌که شمار همخوان‌های گویش عبدالملکی از آن‌ها کمتر است و از این نظر به تعداد همخوان‌های زبان فارسی نزدیک‌تر می‌باشد.

جدول ۲- واکه‌های گویش عبدالملکی

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	واکه	ردیف
جانب، طرف	/taraf/	/dima/	/i/ بسته، پیشین، گسترده	۱
رفت	/raft/	/lua/	/u/ بسته، پسین، گرد	۲
پشت	/pošt/	/dema/	/e/ نیم‌بسته، پیشین، گسترده	۳
پا	/pā/	/γol/	/o/ نیم‌بسته، پسین، گرد	۴
بهنام	/behnām/	/bēnām/	/ē/ نیم‌باز، پیشین، گسترده	۵
خواب	/xāb/	/xaw/	/a/ باز، پیشین، گسترده	۶
زانو	/zānu/	/zerani/	/ā/ باز، پسین، گسترده	۷

گویش عبدالملکی چنان‌که در جدول بالا مشاهده می‌شود، دارای ۷ واکه ساده است؛ درحالی‌که فارسی جدید، ۶ واکه دارد که لازار^۱ (۱۹۹۲: ۱۷) آن‌ها را به دو دسته: واکه‌های پایدار^۲ (i, u, ā) و واکه‌های ناپایدار^۳ (e, o, a) تقسیم نموده است. رابطه واکه‌ها را از جهت پیشی و پسینگی، و بستگی و گشادگی، معمولاً به شکل خطوطی نشان می‌دهند. حدود این خطوط در مورد واکه‌های گویش عبدالملکی چنین است:

۳- ۱- ۲. ساختمان هجا^۴

1- G. Lazard

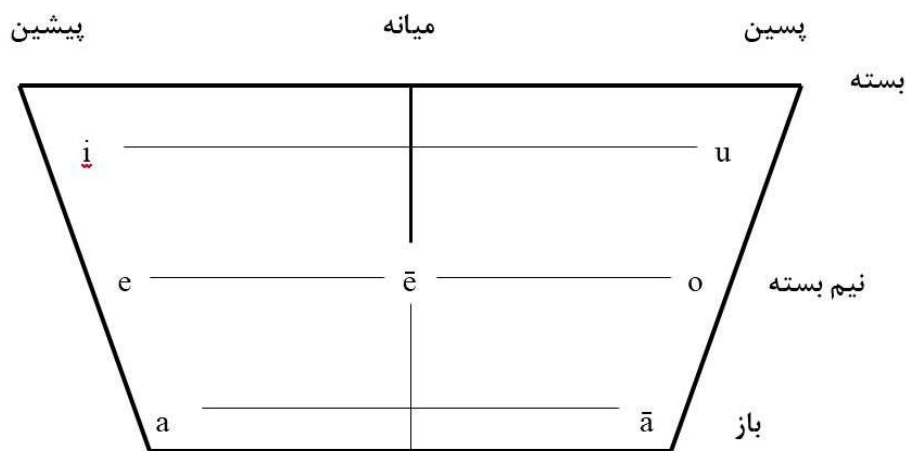
2- stable

3- unstable

4- syllabic structure

در تعریف هجا گفته شده است که واحد بزرگ‌تر از یک آوا، ولی کوچک‌تر از یک واژه است (کریستال^۱، ۲۰۰۸: ۴۷۶). ساخت هجا در هر زبانی، طبق قواعد خاص آن زبان صورت می‌پذیرد. در ساخت هجایی گویش عبدالملکی، سه نوع هجا به شرح ذیل، وجود دارد که از این نظر، همانند ساختار هجا در زبان فارسی است.

شکل ۲- نمودار واکه‌های گویش عبدالملکی



جدول ۳- ساختمان هجا در گویش عبدالملکی

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	ساختمان هجا	ردیف
خُب (برای تأیید نظر مخاطب)	/xob/	/xā/	cv	۱
راست	/rāst/	/rās/	cvc	۲
بانگ / صدا	/bang/	/dang/	cvcc	۳

۳-۲. تحلیل داده‌ها

۳-۲-۱. /a/ اوستایی، فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

اگر کلمه‌ای در فارسی باستان به /a/ ختم می‌شد، در دوره‌های میانه و جدید، این واژه پایانی حذف شده است. لیک چنان‌که در جدول (۱) شاهد می‌باشیم، واژه /a/ در انتهای واژه

/sara/، مستقیماً از فارسی باستان به گویش عبدالملکی راه یافته و در آن حفظ شده است. این پدیده بیان‌گر آن است که واژه مزبور در سیر انتقال خود به گویش عبدالملکی، دوره‌های فارسی میانه و جدید را درک نکرده است.

جدول ۱

معنی فارسی جدید هورامی (عبدالملکی) فارسی میانه (پهلوی) فارسی باستان

سر /sar/ /sara/ /sar/ /sara/

در فارسی جدید، اگر واژه /a/ در کنار همخوان لبی /b/ قرار بگیرد، عموماً تبدیل به /u/ می‌شود. اما چنان‌که در جدول (۲) می‌بینیم، این واژه در مصدر «بردن» از گویش عبدالملکی، همچنان شکل کهن خود را حفظ کرده و از نظر تحول، به دوره باستان نزدیک‌تر است. گفتنی است که همخوان /d/ در واژه /barda/، صورت تحول‌یافته همخوان /t/ در واژه /br-ta/ از زبان پهلوی است و بنابراین مصدر «بردن» در گویش عبدالملکی، بازمانده صورت فارسی میانه این کلمه می‌باشد.

جدول ۲

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان
بردن	/burdan/	/barda/	br-ta	/bartanaiy/

در بعضی از کلمات چندهجایی فارسی جدید، اگر واژه یکی از هجاها /o/ باشد، واژه /a/ آغازین ممکن است تحت تأثیر واژه هجاهای جانبی، بدل به /o/ شود. اما چنان‌که در جدول (۳) پیداست، گویش عبدالملکی تابع این قاعده آوایی جدید نمی‌باشد و همان‌طور که مشخص است واژه آغازین /a/ در واژه /astexān/ به همان صورت باستانی و میانه خود حفظ شده است.

جدول ۳

معنی فارسی جدید هورامی (عبدالملکی) فارسی میانه (پهلوی) فارسی باستان

استخوان /ostoxān/ /astexān/ /astaxān/ /asta-/

چنان‌که واکه پس از «v» آغازی، «a» باشد، در زبان فارسی جدید، همخوان «v» بدل به «g» و واکه پس از آن نیز بدل به «u» می‌شود. اما چنان‌که در واژه /varāz/ قابل مشاهده است (نک: جدول ۴)، تغییری در این واکه رخ نداده و مانند شکل باستانی و میانه خود در کلمه باقی مانده است.

جدول ۴

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	اوستایی
گراز	/gurāz/	/varāz/	/warāz/	/varāza/

اگر در واژه‌ای واکه /a/ قبل از همخوان /v/ قرار بگیرد؛ در فارسی جدید، /av/ بدل به /ō/ خواهد شد. اما این تحول واجی، در کلمه /xosrav/ در گویش عبدالملکی رخ نداده و واکه /a/ پیش از همخوان /v/ به همان شکل دوره میانه باقی مانده است (نک: جدول ۵).

جدول ۵

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	اوستایی
خسرو	/xosrō/	/xosraw/	/xusrav/	/haosravah/

اگر واکه /a/ در کلمه‌ای قبل از همخوان /y/ واقع شود، در فارسی جدید اغلب تبدیل به /e/ می‌شود. اما چنان‌که در جدول ذیل پیداست، این تحول جدید در گویش مورد مطالعه رخ نداده و واکه /a/ پیش از همخوان مزبور در واژه‌های /paymān/ و /payyām/ و غیره به همان شکل دوره میانه حفظ شده است.

جدول ۶

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)
پیمان	/peymān/	/paymān/	/paymān/
پیغام	/peyyām/	/payyām/	/payyām/
پیدا	/peydā/	/paydā/	/paydāg/
پیک	/peyk/	/payk/	/payg/
پیمانه	/peymāne/	/paymāna/	/paymānag/

/kay/	/kay/	/key/	کی
/pay/	/pay/	/pey/	پی

در دوره میانه با افزودن پسوند /-ag/ به برخی از واژه‌ها، اسم‌های جدیدی ساخته می‌شد

مانند:

nām → nāmag

xān → xānag

جدول ۷

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)
نامه	/nāme/	/nāma/	/nāmag/
خسته	/xaste/	/xasta/	/xastag/
دیده	/dide/	/dida/	/didag/
پایه	/pāye/	/pāya/	/pāyag/
شانه	/šāne/	/šāna/	/šānag/
پاشنه	/pāšne/	/pāšna/	/pāšnag/
بهانه	/bahane/	/viāna/	/vihānag/
پرده	/parde/	/parda/	/pardag/
سینه	/sine/	/sina/	/sēnag/
پنبه	/panbe/	/pamba/	/pambag/
پنجه	/panje/	/panja/	/panjag/
تخته	/taxte/	/taxta/	/taxtag/
تره	/tare/	/tara/	/tarrag/
تشنه	/tešna/	/tešna/	/tišnag/
تله	/tale/	/tala/	/talag/
چاره	/čāre/	/čāra/	/čārag/
چینه	/čine/	/čina/	/činag/
دانه	/dāne/	/dāna/	/dānag/
مهره	/mohre/	/mohra/	/muhrag/

/dāyag/	/dāya/	/dāye/	دایه
/daxmag/	/daxma/	/daxme/	دخمه
/dastag/	/dasta/	/daste/	دسته
/pēšak/	/piša/	/piše/	پیشه
/frēštag/	/ferešta/	/ferešte/	فرشته

در فارسی جدید با یک تحول صوتی، واج /g/ از پایان پساوند /-ag/ حذف می‌شود و این قبیل واژه‌ها مختوم به /a/ می‌شوند و چون در رسم‌الخط فارسی جدید برای نشان دادن /a/ حرفی وجود ندارد؛ از نویسه «ه» بدین منظور استفاده می‌گردد که اصطلاحاً «هـاء بیان حرکت» نامیده می‌شود. در چنین مواردی واکه /a/ پایانی که در فارسی جدید باقی می‌ماند، /e/ تلفظ می‌شود (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳). در رابطه با گویش عبدالملکی، چنان‌که در داده‌های جدول شماره ۷ پیداست، واکه /a/ پایانی در لغات /nāma/، /xasta/، /dida/ و غیره، بدل به /e/ نگردیده و تقریباً به همان شکل دوره میانه تلفظ می‌شود. به‌طور کلی در این گویش، واژه‌هایی که مختوم به /a/ هستند از صورت /-ag/ فارسی میانه مشتق شده‌اند.

۳-۲-۲. /i/ اوستایی، فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

واکه /i/ باستانی در تحول تا فارسی جدید، گاهی ممکن است به /a/ تبدیل شود. اما در گویش عبدالملکی، چنان‌که در واژه‌های /miza/ و /vir/ می‌بینیم (جدول ۸)، این واکه به همان شکل اوستایی و فارسی میانه باقی مانده است. گفتنی است که بعدها در طول زمان، واکه کشیده /i/ در واژه‌های /miza/ و /miz/ به /e/ کاهش یافته است:

miza → meza

miz → mez

جدول ۸

اوستایی	فارسی میانه (پهلوی)	هورامی (عبدالملکی)	فارسی جدید	معنی
	/mizag/]meza[/miza/-	/maze/	مزه

/vira/	/vir/	/vir/	/vir/ و /bar/	ویر و بر (یاد، حافظه و ذهن)
--------	-------	-------	---------------	-----------------------------

واکه /i/ گاهی طی تحولات خود از دوره میانه به جدید، اگر کنار همخوان لبی /m/ قرار گرفته باشد، بدل به /o/ می‌شود. بررسی واژه /mizd/ در گویش عبدالملکی (نک: به جدول ۹) نشان می‌دهد که این واژه با حفظ واکه /i/ در پیکره خود، از تحولات جدید آوایی به دور مانده و به همان شکل دوره‌های باستان و میانه تکلم می‌شود.

جدول ۹

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان
مزد	/mozd/]mez[/miz/-	/mizd/	mižda

۳-۲-۳. /č/ اوستایی، فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

یکی از موارد چشمگیر تبدیل /č/ به /z/ را می‌توان در ماده‌های مضارع برخی از افعال فارسی مشاهده کرد. توضیح این‌که، هرگاه در صورت آریایی قدیم ریشه کلمه‌ای همخوان /k/ و یا معادل آن در زبان‌های باستانی ایران /č/ موجود باشد، در ماده مضارعی که از این ریشه‌ها ساخته شده تا دوره میانه همخوان /č/ باقی می‌ماند ولی در فارسی جدید /č/ بدل به /z/ می‌گردد (همان: ۱۶۶).

چنان‌که در جدول ذیل مشاهده می‌کنیم؛ همخوان /č/ فارسی باستان که در پهلوی و فارسی جدید در میان دو واکه به همخوان /z/ و در پارتی به همخوان /ž/ تبدیل شده است؛ در کلمات /seč/ (ماده مضارع «سوختن» در گویش عبدالملکی)، /tāč/، /tāčena/، /dūč/ و /rūča/ بدون تغییر باقی مانده است. گفتنی است که این همخوان در کلمه /paž/ (ماده مضارع «پختن» در گویش عبدالملکی) همچون زبان پارتی به صورت /ž/ حفظ شده است.

جدول ۱۰

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی میانه (پارتی)	فارسی باستان	اوستایی

۱- البته شایان ذکر است که در فارسی میانه هم واج /z/ وجود داشته است.

سال سیزدهم	مقایسه و بررسی ریشه‌شناختی واژه‌های زبان هورامی					۳۱۹
سوز	/sūz/	/seč/	/sōz/	/sōž/	/saōča/	/saočaya/
تاز	/tāz/	/tāč/	/tāz/	/tāč/
تازیدن	/tāzidan/	/tāčena/	/tāzenidan/
دوز	/dūz/	/dūč/	/dōz/	/duč/
روزه	/rūze/	/rūča/	/rōzag/	/raučah/	/raočah/
پز	/paz/	/paž/	/pač/	/paž/	/pača/
زیر	/zir/	/čer/	/hačadar/
			/azēr/			

شایان ذکر است که واژه /če/ در گویش عبدالملکی تقریباً همانند شکل باستانی آن تلفظ می‌شود. چنان‌که در جدول ذیل می‌بینیم، واژه باستانی /hača/ پس از حذف /h/ آغازی، واکه /a/ را نیز از دست می‌دهد و در این صورت، هجای /ča/ باقی می‌ماند که امروزه در گویش عبدالملکی به شکل /če/ تلفظ می‌شود.

جدول ۱۱

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان	اوستایی
از	/az/	/če/	/az/	/hačā/

در مواردی چند، واج /č/ در کنار واکه تبدیل به /ž/ و یا /j/ می‌شود (همان: ۱۶۹)؛ اما چنان‌که در جدول ذیل شاهد می‌باشیم، همخوان /č/ در واژه عبدالملکی /mečik/ با آن‌که بین دو واکه قرار گرفته، همان شکل فارسی میانه را نگاه داشته است.

جدول ۱۲

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)
مژه	/moža/	/mečik/	/mičak/

۳-۲-۴. /h/ آغازی اوستایی، فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

اگر همخوان /h/ در آغاز واژه قرار بگیرد و واج بعد از آن واکه /u/ باشد؛ در این صورت /h/ ایرانی باستان به آغازی /x/ تبدیل می‌شود. این تحول آوایی، چنان‌که شاهد هستیم، در واژه‌های فارسی /xūn/، /xonak/ و /xošk/ به وقوع پیوسته است (جدول ۱۳).

hu → xo

جدول ۱۳

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	اوستایی	فارسی باستان
خون	/xūn/	/hen/	/hōn/	/vohuni/
خنک	/xonak/	/henek/	/hunak/
خشک	/xošk/	/hešk/	/hušk/	/huška/	/huška/

اما همان‌طور که در جدول فوق پیداست، واژه‌های /hen/، /henek/ و /hešk/ در گویش عبدالملکی، هنوز /h/ آغازی خود را مانند دوره‌های باستان و میانه حفظ نموده‌اند.

۳-۲-۵. /k/ پایانی فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

همخوان باستانی /k/ در پایان واژه گاهی در تحول حذف می‌شود. توضیح این‌که این واج باستانی در دوره میانه باقی مانده ولی در فارسی جدید حذف شده است (همان: ۲۰۵). باید توجه داشت که این همخوان در پارتی و پهلوی معمولاً پس از یک واکه به جفت واکدار خود، یعنی /g/ تبدیل می‌شده است. اما همان‌طور که از داده‌های جدول ۱۴ برمی‌آید، همخوان /k/ در پایان واژه‌های /nuk/ و /hamišak/ در گویش عبدالملکی، همانند صورت‌های فارسی باستان و میانه تلفظ می‌شود.

جدول ۱۴

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی میانه (پارتی)	فارسی باستان
نو	/no/	/nuk/	/nug/	/nawāg/	/navaka/
همیشه	/hamiše/	/hamišak/	/hamēšak/

۳-۲-۶. /n/ پایانی فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

یکی از مهمترین تحولات همخوان /n/ باستانی، تبدیل آن به /m/ در دوره جدید می‌باشد؛ اما در واژه عبدالملکی /bān/ این تحول واجی جدید رخ نداده است و چنان‌که ذیلاً مشاهده می‌شود، این کلمه همچون صورت دوره میانه تلفظ می‌گردد.

جدول ۱۵

معنی	فهرامی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان
بام (سقف خانه)	/bām/	/bān/	/bān/	/vahana/

۳-۲-۷. /v/ آغازی اوستایی، فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

همخوان /v/ آغازی ایرانی باستان در برخی واژه‌های فارسی جدید، معمولاً به صورت‌های /b/ و /g/ وجود دارد: /bahār/، /bahāne/، /bahman/ و /gurg/. اما این همخوان در ابتدای لغات /vāhār/، /viāna/، /vahman/، /verg/ و غیره (جدول ۱۶)، معمولاً پیش از واژه‌های /ā/، /i/، /a/ و /e/، شکل کهن خود را حفظ کرده است. از این جهت، واژه‌های مذکور در گویش عبدالملکی، از نظر تحول به دوره‌های باستان و میانه نزدیک‌ترند.

جدول ۱۶

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان	اوستایی
بهار	/bahār/	/vāhār/	/wahār/	/vāhara/
بهانه	/bahāne/	/viāna/	/wihānag/
بهمن	/bahman/	/vahman/	/wahman/	/vahumanah/
بهرام	/bahrām/	/vahrām/	/wahrām/	/vərəθraγna/
بنفشه	/banafše/	/vanuša/	/wanafšag/
برگ	/barg/	/valg/	/walg/	/varəka/
برّه	/barre/	/vara/	/warrag/	/varan/
برف	/barf/	/vaōr/	/wafit/	/vafra/
بر	/bar/	/var/	/war/	/varah/
بس	/bas/	/vas/	/was/	/vasiy/

/vāta/	/wād/	/vā/	/bād/	باد
.....	/wēšag/	/viša/	/biše/	بیشه
.....	/wāng/	/vang/	/bāng/	بانگ
.....	/waččak/	/vača/	/bačče/	بچه
/vəhrka/	/varkāna/	/vrka/	/verg/	/gurg/	گرگ
.....	/varāza/	/warāz/	/varāz/	/gurāz/	گراز

۳-۲-۸. /y/ آغازی فارسی باستان در گویش عبدالملکی

/y/ آغازی فارسی باستان همچنان در کلمه /yaw/ در گویش عبدالملکی باقی مانده است؛ اما چنان‌که در جدول ذیل می‌بینیم، در دوره‌های فارسی میانه و جدید به همخوان /j/ تبدیل شده است.

جدول ۱۷

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان
جو	/jow/	/yaw/	/jaw/	/yava/

۳-۲-۹. /ž/ اوستایی، فارسی باستان و میانه در گویش عبدالملکی

گاهی ممکن است /ž/ باستانی و میانه در دوره جدید به /z/ بدل گردد؛ اما در گویش عبدالملکی، این همخوان در کلمه /tež/ همچون صورت‌های باستانی و میانه تلفظ می‌شود.

جدول ۱۸

معنی	فارسی جدید	هورامی (عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان	اوستایی
تیز	/tiz/	/tēž/	/tēž/	/taēža/
زن	/zan/	/žan/	/žan/	/janay/

در برخی مواقع، /j/ آغازی دوره باستان، در فارسی میانه بدل به /ž/ و در فارسی جدید بدل به همخوان /z/ می‌گردد. در همین چارچوب، چنان‌که در جدول ۱۸ مشخص است، همخوان /ž/ در واژه /žan/، بازمانده شکل دوره میانه این کلمه در گویش عبدالملکی است.

۳-۲-۱۰. خوشه همخوانی /sp/ باستانی در گویش عبدالملکی

خوشه همخوانی /sp/ که در زبان‌های کهن آریایی وجود داشته، در برخی از زبان‌های باستانی ایران از جمله: «مادی» و «اوستایی» باقی مانده و در سنسکریت به صورت /sv/ و در فارسی باستان به صورت یک واج بسیط /s/ درمی‌آید (باقری، ۱۳۸۰: ۹۳). این خوشه همخوانی که در کلمه /spa/ از گویش عبدالملکی مشاهده می‌شود، بازمانده از زبان مادی در دوره باستان است (نک: جدول ۱۹). بدین ترتیب این گروه صوتی در تحول تاریخی خود از دوره باستان تا دوره جدید به همین صورت باقی مانده است. احتمالاً به دلیل این که مدت‌ها دوره رشد و تحول گویش عبدالملکی در غرب و شمال غربی ایران بوده است؛ لذا واژه‌هایی از زبان‌های آن منطقه نظیر مادی، وارد این گویش شده‌اند.

جدول ۱۹

معنی	فارسی جدید	هورامی(عبدالملکی)	فارسی میانه (پهلوی)	فارسی باستان	مادی
سگ	/sag/	/spa/	/sag/	/saka/	/spāka/

۴. نتیجه‌گیری

با بررسی واژگان ذکر شده در این جستار، نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. در گویش عبدالملکی، واژه‌هایی که مختوم به /a/ هستند از صورت /-ag/ فارسی میانه مشتق شده‌اند.
۲. واکه /a/ در انتهای واژه /sara/ در گویش عبدالملکی، بازمانده صوت /a/ در آخر لغات فارسی باستان است؛ درحالی که این واکه پایانی در فارسی دوره‌های میانه و جدید حذف شده است.
۳. در فارسی جدید، واکه /a/ در کنار همخوان لبی /b/، تبدیل به /o/ می‌شود؛ لیکن این واکه در گویش عبدالملکی همچنان شکل کهن خود را حفظ کرده و از نظر تحول، به دوره باستان نزدیک‌تر است.

۴. اگر در واژه‌ای واکه /a/ قبل از همخوان /v/ قرار بگیرد؛ در فارسی جدید، /av/ بدل به /ō/ خواهد شد. اما این تحول واجی، در کلمه /xosraV/ در گویش عبدالملکی رخ نداده و واکه /a/ پیش از همخوان /v/ به همان شکل دوره میانه باقی مانده است.
۵. در فارسی جدید، اگر واکه /a/ در کلمه‌ای قبل از همخوان‌های /s/ و /y/ واقع شود، اغلب تبدیل به /e/ می‌گردد. اما این تحول در گویش عبدالملکی رخ نداده و واکه /a/ پیش از همخوان‌های مزبور به همان شکل دوره میانه حفظ شده است.
۶. واکه /i/ باستانی در تحول تا فارسی جدید، گاهی ممکن است به /a/ تبدیل شود. اما در گویش عبدالملکی، این واکه به همان شکل اوستایی و فارسی میانه باقی مانده است.
۷. همخوان /č/ فارسی باستان که در پهلوی و فارسی جدید در میان دو واکه به همخوان /z/ و در پارتی به همخوان /ž/ تبدیل شده است؛ در کلمات /seč/، /tāč/، /tāčena/، /dūč/ و /rūča/ بدون تغییر باقی مانده است. گفتنی است که این همخوان در کلمه /paž/ همچون زبان پارتی به صورت /ž/ حفظ شده است.
۸. اگر همخوان /h/ در آغاز واژه قرار بگیرد و واج بعد از آن واکه /u/ باشد؛ در این صورت /h/ ایرانی باستان به آغازی /x/ تبدیل می‌شود. اما واژه‌های /hen/، /henek/ و /hešk/ در گویش عبدالملکی، هنوز /h/ آغازی خود را مانند دوره‌های باستان و میانه حفظ نموده‌اند.
۹. همخوان باستانی /k/ در پایان واژه گاهی در تحول حذف می‌شود؛ اما این همخوان در پایان واژه‌های /nuk/ و /hamišak/ در گویش عبدالملکی، همانند صورت‌های فارسی باستان و میانه تلفظ می‌شود.
۱۰. یکی از مهمترین تحولات همخوان /n/ باستانی، تبدیل آن به /m/ در دوره جدید می‌باشد؛ اما در واژه عبدالملکی /bān/ این تحول واجی جدید رخ نداده است و این کلمه همچون صورت دوره میانه تلفظ می‌گردد.
۱۱. اگرچه همخوان‌های آغازی /b/ و /v/ در برخی از واژگان فارسی جدید، شکل تحول-یافته همخوان باستانی /v/ می‌باشد؛ اما در گویش عبدالملکی، همخوان /v/ در ابتدای لغاتی چون /vāhār/، /viāna/، /vahman/، /verg/ و غیره همان شکل کهن خود را حفظ کرده و از این جهت، واژه‌های مذکور از نظر تحول به دوره‌های باستان و میانه نزدیک‌ترند.

۱۲. همخوان /y/ آغازی فارسی باستان در گویش عبدالملکی باقی مانده اما در فارسی میانه و جدید، تبدیل به /j/ شده است.

۱۳. خوشه همخوانی /sp/ که در کلمه /spa/ از گویش عبدالملکی وجود دارد، بازمانده از زبان مادی در دوره باستان است.

در پایان باید به این نتیجه کلی اشاره کرد که گویش عبدالملکی از لحاظ تحولات تاریخی واج‌ها نسبت به زبان فارسی جدید محافظه‌کارتر است و ساختار واجی آن شباهت زیادی به فارسی باستان و پهلوی دارد.

منابع پژوهش

- ۱ - آقاگل‌زاده، فردوس؛ و حسین داوری (۱۳۸۸)، بررسی ریشه‌شناختی واژه‌های انگلیسی با ریشه فارسی میانه، *مطالعات ایرانی*، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز، صص ۳۵-۴۸
- ۲ - باقری، مه‌ری (۱۳۸۰)، *واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی*، تهران: نشر قطره
- ۳ - جعفری دهقی، محمود؛ و شیما جعفری دهقی (۱۳۹۹)، تحول تاریخی برخی واج‌ها در تالشی مرکزی، *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۸۱-۱۹۳
- ۴ - زرشناس، زهره؛ محمودزهی، موسی؛ و بهجت قاسم‌زاده (۱۳۹۷)، بررسی تاریخی و تطبیقی چند واج ایرانی باستان در گویش بلوچی بمپوری، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۱۸، صص ۱۲۵-۱۴۹
- ۵ - سجادی، مهدی؛ و عالی‌ه کرد زعفرانلو (۱۳۹۳)، فرایندهای واجی همخوانی در واژه‌های مشترک بین زبان فارسی معیار و زبان هورامی (گویش هورامان تخت)، *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۴، بهار، صص ۷۳-۱۰۰
- ۶ - سلیمی، منصور (۱۳۹۲)، *بررسی و توصیف زبان هورامی (گویش پاره‌ای)*، تهران: نشر احسان
- ۷ - شفایی، شراره؛ حاجیانی، فرخ؛ و محسن محمودی (۱۳۹۸)، بررسی ریشه‌شناختی واژه‌هایی از گویش اوزی، *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*، سال ۴، شماره ۱، صص ۲۷-۴۶

- ۸ - قنبری عبدالملکی، رضا؛ و آیلین فیروزیان پوراصفهان‌ی (۱۴۰۰)، تحلیل برخی از فرایندهای واجی در گویش اورامی شمال ایران در چارچوب واج‌شناسی زایشی و نظریه بهینگی (مطالعه موردی: گویش عبدالملکی)، مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دوره ۹، شماره پیاپی ۳۵، زمستان، صص ۷۳-۱۰۳
- ۹ - مطّبی، محمد؛ و فاطمه شیبانی فرد (۱۳۹۲)، مواردی از واج‌شناسی تاریخی گویش رودباری کرمان، *ادب و زبان*، سال ۱۶، شماره ۳۴، پاییز و زمستان، صص ۳۱۱-۳۲۹
- ۱۰ - نقشبندی، شهرام (۱۳۷۵)، *نظام آوایی گویش هورامی (گونه شهر پاوه) از دیدگاه واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی جزء مستقل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۱ - نقشبندی، شهرام (۱۳۹۹). ناسوده‌شدگی انفجاری‌های لثوی در هورامی گونه پاوه. *جستارهای زبانی*. ۱۱ (۵۵). ۸۱-۱۱۰
- 12- Crystal. D (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th ed. Oxford:Blackwell.
- 13-Gunter, M. M. (2003). *The A to Z of the Kurds*. Lanham: Scarecrow Press.
- 14- Lazard, G. (1992). *Grammar of Contemporary Persian*. Cosa Mesa: Mazda publishers.
- 15- Leezenberg, M. (1992). *Gorani Influence on Central Kurdish: Substratum or Prestige Borrowing?*, Retrieved from: <http://www.fwi.uva.nl/research/illc>.
- 16- MacKenzie, D. N. (1966). *The Dialect of Awroman* (Hawrāmān-ī Lahōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary. København: The Royal Danish Academy of Science and Letters
- 17- MacKenzie, D. N. (1987). *Avroman: The Dialect of Avroman*. Retrieved from Encyclopedia Iranica: <http://www.iranica.com/articles/avromani-the-dialect-of-avroman-q>
- 18-MacKenzie, D. N. (2002). *Gurani*. Retrieved from Encyclopedia Iranica: <http://www.iranica.com/articles/gurani>

Comparison and etymological study of Hawrami words with Avestan, Ancient Persian and Middle Persian from the perspective of historical-comparative phonology (Case study: Abdolmaleki dialect)

Reza Ghanbari Abdolmaleki

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Damghan University
(Corresponding Author)

abdolmaleki@du.ac.ir

Ailin Firooziyan pouresfahani

Assistant Professor of Linguistics, Damghan University

ailin_firooziyan@yahoo.com

Ayda Firooziyan pouresfahani

Assistant Professor of Linguistics, Imam Reza International University

aida.firooziyan@gmail.com

Received:17/12/2021

Accepted:07/03/2022

Abstract

Hawrami and Persian languages as Western Iranian languages, were influenced by the Avestan language and were similar in many forms of pronunciation until the Middle Ages. So, the Hawrami language, due to its proximity to the ancient roots of Persian, is a good source for reviving **obsolete** forms in this language. Since Hawrami has been very cautious about being influenced by the modern Persian language, a number of its dialects, including Abdolmaleki dialect, have retained some of the features of the ancient Persian languages. In this regard, the present study, has examined 76 words in Abdolmaleki dialect, and has explored the Avestan, ancient Persian and Middle Persian roots in them. The method of the present research is descriptive-analytical. Data in the Hawrami language section, has been gathered through interviews with speakers and recording their speech, and in the section of ancient Persian and Pahlavi languages, data has been collected from the books "History of Persian language" and "Small culture of Pahlavi language", by Khanlari and Mackenzie, respectively. The most salient finding of the present study indicates that the phonemes /a/, /i/, /v/, /č/, /h/, /ž/, /k/, /n/ are the remnants of ancient and medieval periods.

Key words: Phonology, Abdolmaleki dialect, ancient Persian, Avestan language, Middle Persian